

یکی از نخستین نام‌هایی که با شنیدن اسم طالبان، به ذهن کسانی که اخبار افغانستان را از دریاچه رسانه‌های جریان اصلی دنبال می‌نمایند، متبادر می‌گردد، نام پاکستان است. تصویری که عموماً در ذهن مخاطبان این اخبار، از جمله مخاطبان ایرانی شکل گرفته و مدام تکرار می‌گردد، این است که طالبان ساخته دست پاکستان و تحت فرمان سازمان اطلاعات ارتش این کشور موسوم به ISI می‌باشد. ادعایی که همواره از دوران دولت کمونیستی افغانستان و سپس دولت دست‌نشانده آمریکایی در این کشور مطرح بوده و حتی امروزه نیز توسط مخالفان داخلی و خارجی طالبان بیان می‌گردد و دولت طالبان را یک دولت دست‌نشانده و پاکستانی که به دنبال تأمین منافع ملی پاکستان به ضرر ملت افغانستان است، معرفی می‌نماید. اما پرسش حقیقی اینجاست که آیا طالبان افغانستان حقیقتاً بازوی سیاست خارجی پاکستان در افغانستان است؟

آنچه پاکستان را از ابتدای تأسیس به افغانستان علاقه‌مند ساخته، نه فقط ترس پاکستانی‌ها از مطرح شدن چندین باره موضوع اختلاف ریشه‌دار دو کشور بر سر خط مرزی دیورند، خطی که در دوران استعمار انگلیس بر شبه قاره هند بین این دولت استعمارگر و حکومت وقت افغانستان ترسیم شد اما هرگز از ابتدای تأسیس پاکستان مورد پذیرش هیچ یک از دولت‌های حاکم بر افغانستان به عنوان مرز رسمی قرار نگرفته است، بلکه ضعف این کشور برای مقابله با بزرگ‌ترین دشمن وجودی خود یعنی هند است.

پاکستان تا کنون چهار جنگ با هند داشته است که نه تنها نتوانسته در هیچ کدام پیروزی چشمگیری کسب کند بلکه در یکی از آنها (۱۹۷۱) نیمی از خاک خود را نیز از دست داده.

ژئوپلیتیک خاص پاکستان و فقدان عمق راهبردی و امکان دفاع در مقابل هند خصوصاً در مناطق شمالی، این کشور را همواره متوجه افغانستان به عنوان عاملی برای مقابله با هند نموده است. جایی که پاکستان همواره امیدوار بوده تا بتواند با تشکیل یک دولت دست‌نشانده اسلام‌گرا، ضمن تضعیف روحیات ملی‌گرایانه افغانی برای حل معضل دیرینه دیورند، امکان دفاع از خود و جلوگیری از گسترش نفوذ هند در مرزهای شمالی و اشراف بر منطقه مورد منازعه کشمیر را برای همیشه بدست آورد. همچنین استفاده از ظرفیت افغانستان برای هدایت کریدورهای اقتصادی آسیای میانه به طرف



ژنرال حمید گل

خود نیز از جمله امیدواری‌های پاکستان بوده است. دولت‌مردان پاکستانی همواره کوشیده‌اند تا ضعف راهبردی خود را تا حدی از طریق بهره‌برداری بهینه از موقعیت خود در منطقه جنوب آسیا و تعامل با قدرت‌های بزرگ خصوصاً آمریکا جبران کنند. در فضای جنگ سرد و همزمان با قدرت یافتن دیکتاتوری نظامی ژنرال محمد ضیاء الحق در پاکستان و رویکرد خاص وی در تقویت بدنه بنیادگرا در ارتش، این کشور از جانب بلوک غرب مأموریت یافت تا در خط مقدم مبارزه با کمونیسم، مقابل شوروی در افغانستان با استفاده از نیروهای نیابتی به نبرد بپردازد. از همان زمان بود سازمان اطلاعات پاکستان موسوم به ای‌اس‌آی با ابتکار ژنرال حمید گل از یک سو و گروه طالبان به عنوان یک جریان پویا و تأثیرگذار در تحولات داخلی افغانستان از